

# حماس، الگوی تحول و مقاومت

فلسطین آورد و از طرف دیگر، دفاع از فلسطین را از وضع تاکتیکی، عملیاتی و مرحله‌ای خارج کرده و به یک روند مستمر و روزانه تبدیل کرد. در روش جدید، شکست در یک مرحله نباید باعث توقف مبارزه شود و آن را تحت الشعاع قرار دهد چراکه جنگ و درگیری، پیروزی و شکست دارد و وجود اینها امری عادی است. در جنگی مقدس با هدف رضایت الهی، طبیعتاً نیرویی که در یک مرحله شکست خورده است، تلاش دارد با افزایش ظرفیت و تغییر تاکتیک، شکست را به پیروزی تبدیل کند. بازتاب این جریان در فلسطین این بود که مسلمانان فلسطینی (از جمعیت فلسطینیان بیش از ۹۵ درصد مسلمان بودند) با عنوان وظیفه مقدس به صحنه آمدند و روش‌های مبارزاتی گذشته را با روش‌های اسلامی و تکیه بر آرمان‌ها و شاخص‌های اسلامی جایگزین کردند. مبارزه جدیدی شکل گرفت که اولین جرقه آن در سال ۱۳۶۶ و پس از پیروزی انقلاب اسلامی زده شد و به حرکت عمومی در فلسطین تبدیل شد؛ البته در این انتفاضه، سازمان‌های قومی به نوعی از این حرکت حمایت کردند، یعنی از ظرفیت‌های گذشته نیز استفاده شد و این حرکت بن‌مایه‌ای مردمی و اسلامی پیدا کرد و سازمان‌های

در جریان شناخت شهدای شاخص حماس، تفکر و تحول در مقاومت فلسطین به این پرسش می‌رسیم که علت شکل‌گیری جریان تحول‌خواه و نزدیک به انقلاب اسلامی مانند تفکر شیخ احمد یاسین چیست و چه اتفاقی می‌افتد که گروه‌های جدید تشکیل می‌شوند و جریان فکری را از سمت سازش، به سمت تفکر مقاومت سوق می‌دهند؟ در جواب، می‌توان به تجربه فلسطین در آستانه انقلاب اسلامی و تجربه ترکیب مبارزات قومی و اقدامات دولت‌های عربی برای آزادی فلسطین و مقابله با صهیونیسم اشاره داشت. تجربه فلسطینی‌ها در آستانه انقلاب اسلامی در دو بُعد اقدام نظامی دولت‌های عربی و مبارزات قومی تجربه‌ای است که به دلایلی با شکست مواجه شد؛ یعنی چهار جنگ عربی از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۳ اتفاق افتاد که نتیجه آنها آزادی فلسطین نبود، بلکه گسترش صهیونیسم بود.

دولت‌های عربی دولت‌های مستقلی نبودند، بلکه وابسته به اردوگاه‌های قدرت در سطح بین‌الملل بودند و از آنجا که اردوگاه قدرت در پی تثبیت اسرائیل بود، اقدامات نظامی دولت‌های عربی وابسته به آنها مقطعی و موردی و غیرپیگیرانه بود. در قرآن کریم آیاتی داریم که روی واژه‌های «استقامت» و «استمرار» تأکید دارد و می‌فرماید: «مؤمنین در صورتی که استقامت کنند، مورد حمایت خداوند قرار می‌گیرند و به پیروزی می‌رسند.»

حملات ارتش‌های عربی به صورت موردی، عملیاتی و تاکتیکی صورت می‌گرفت و استمرار لازم را نداشت؛ به این صورت که وقتی اقدام عرب‌ها با شکست مواجه می‌شد، تا مدت‌ها کاری نمی‌کردند، سپس اقدامی دیگر و زمانی که با شکست مواجه می‌شد، عقب‌نشینی می‌کردند. مبارزات قومی در فلسطین که گاهی با عناوین «ناسیونالیسم» و «سوسیالیسم» توسط جنبش‌های قومی و چپ‌گرای فلسطینی دنبال می‌شد، نمی‌توانست در صحنه مبارزات فلسطین به موفقیت چندانی برسد و عملاً دچار ضرباتی می‌شد و با ناامیدی از صحنه کنار می‌رفت.

مبارزات قومی نوعی مبارزه مبتنی بر سلسله‌شعارهای قوم‌گرایانه بود که برای دفاع از قوم صورت می‌گرفت و ظرفیت لازم را برای جلب دیگر ظرفیت‌های جهان اسلام نداشت؛ بنابراین، مشمول پشتیبانی قاطع مسلمانان نمی‌شد و ظرفیتش محدود می‌شد و عملاً با وجود اینکه از اواسط دهه ۱۹۵۰ شکل گرفت و چهره شاخص آنها نیز یاسر عرفات بود، نتوانست کار چشمگیری در مسیر آزادی فلسطین انجام دهد. این مبارزات بارها با شکست مواجه می‌شد و موجبات یأس و ناامیدی را در جامعه فلسطینی فراهم می‌کرد.

به موازات این موضوع، با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در صحنه فلسطین شاهد پدیده‌ای بودیم که حرف جدیدی را روی میز گذاشت و اعلام کرد «همه جهان اسلام و مسلمانان موظف هستند در راستای آزادی فلسطین و محور اسرائیل تلاش کنند و این وظیفه دینی است که شهادت در برابر آن یک امر پذیرفتنی بوده و افتخار است؛ کسی که در این مسیر شهید شود، مرضی خداوند متعال است.» با این رویکرد، موضوع شکست و پیروزی کنار رفت و دیگر، ترسی از مرگ و محاسبات مادی‌گرایانه در مبارزه وجود نداشت و موضوع رضایت الهی و هدف مقدس در میان آمد که نمادش اعلام روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان به عنوان «روز قدس» از سوی امام خمینی (ره) در رمضان سال ۱۳۵۸ بود. این جریان، جمعیت عظیمی را پای کار

سعدالله زارعی  
کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل  
و تحولات جهان اسلام

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در صحنه فلسطین شاهد پدیده‌ای بودیم که حرف جدیدی را روی میز گذاشت و اعلام کرد «همه جهان اسلام و مسلمانان موظف هستند در راستای آزادی فلسطین و محور اسرائیل تلاش کنند و این وظیفه دینی است که شهادت در برابر آن یک امر پذیرفتنی بوده و افتخار است؛ کسی که در این مسیر شهید شود، مرضی خداوند متعال است.»

